



در جریان وحدت سارمان  
فادایان خلق ایران (اکثریت)،  
سارمان اتحاد فدائیان خلق  
ایران - طرفداران وحدت چپ  
و کنشگران چپ و یا به گذاری  
تشکل حزبی واحد قرار  
دارید. در ماههای آنی کنگره  
مشترک برگزار می شود و  
منشور در دستور آن قرار  
دارد. برای تهیه منشور از  
ماهها قبل، گروه کار منشور  
تشکیل شده و تهیه آن را در  
دستور کار خود گذاشته است.

گروه کار منشور پس از چند ماه کار مستمر و فشرده توائیت پیش نویس منشور را تهیه کند. اکنون پیش نویس منشور برای اظهار نظر و ارائه پیشنهاد منتشر می شود. امید است صاحب نظران و دوستان وحدت چپ نظرات و پیشنهادهای خود را با ما در میان بگذارند. گروه کار منشور برایه نظرات و پیشنهادهای ارائه شده، روی پیش نویس منشور کار خواهد کرد و متن نهایی را تهیه و به کنگره ارائه خواهد داد.

گروه کار منشور

۲۰ نوامبر ۱۴۰۷

## پیش نویس منشور

کشور ما نیازمند توسعه پایدار و تحول دموکراتیک در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. توسعه پایدار و تحول دموکراتیک بدون تأمین آزادی و دمکراسی، بدون غلبه بر فقر و بیکاری و کاهش فاصله فقر و ثروت، امکان پذیر نیست. ما - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران (طرفداران وحدت چپ) و کنشگران چپ - در پاسخ به الزامات جامعه و باور به پیوند عمیق توسعه پایدار با تأمین آزادی، استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی، جدایی ناپذیری سوسیالیسم از دمکراسی، برای ایجاد یک تشکل حب دموکرات و سوسیالیستی گام برمی داریم.

## دیدگاه و ارزش‌های ما

۱. ما در مبارزه‌ای که هم اکنون در نظام سرمایه‌داری جهانی میان "کار" و "سرمایه" جریان دارد، در جانب کار قرار داریم. صلح، آزادی، برابری، عدالت اجتماعی، همبستگی، دموکراسی و سوسیالیسم، حقوق بشر، برابر حقوقی زن و مرد، تنوع سبک زندگی، رفع تبعیض‌های طبقاتی، جنسیتی، ملی - قومی، نژادی و مذهبی و حفظ محیط زیست، از اصول پایه‌ای برنامه و حرو ارزش‌های ما هستند.

۲. ما طرفدار دموکراسی از جمله دمکراسی انتخابی و مخالف هر گویه استنداد و دیکتاتوری هستیم و حاکمیت را ناشی از اراده آزاد مردم و برای مردم می‌دانیم، به رای و انتخاب آزادانه مردم، به محدودیت زمانی قدرت و پلورالیسم سیاسی یا بدبندیم. ما برای تعمیق و گسترش دمکراسی انتخابی به دمکراسی مشارکتی و مستقیم در اشکال مختلف از جمله خودگرانی و خود مدیریتی مبارزه می‌کنیم.

۳. در مورد سوسیالیسم برسر برخورد با "اردوگاه سوسیالیستی" تقاو نظر وجود دارد:

### فرمول یک

\* ما جزئی از جنبش چپ سوسیالیستی هستیم و  **ضمن ارج گذاری بر دستاوردهای "اردوگاه سوسیالیستی" و تاثیرات آن بر تحولات جهانی، با نقد نظری و تجربی سیستم فکری و عملکردی حاکم بر آن، به این باور رسیدیم که سوسیالیسم و دموکراسی در هم تنیده‌اند و سوسیالیسم بدون دموکراسی به دیکتاتوری می‌انجامد. سوسیالیسم مورد نظر ما محصول روندی است آگاهانه برای دستیابی به جامعه مطلوب و انسانی که به متابه یک فرآیند با ایجاد و گسترش ارزش‌های سوسیالیستی و مشارکت نیروهای باورمند به این ارزش‌ها، شکل می‌گیرد. از نظر ما سوسیالیسم فرایندی است که برسیتر شرایط واقعی و مدام تغییریابنده زندگی در جهان واقعاً موجود استوار خواهد بود. دست آوردها و تجارب مثبت و منفی جنبش‌های اجتماعی و چپ، گسترش و تعمیق آزادی و عدالت اجتماعی، بر پایه دمکراسی، ژرفش و گسترش بیوسته آن در جهت دمکراسی مشارکتی و مستقیم، ایجاد فرصت‌های برابر برای همه و دسترسی همگانی به اطلاعات و حفظ محیط‌زیست زمینه‌ساز چنین تحولی خواهد بود.**

### فرمول دو

\* ما جزئی از جنبش چپ سوسیالیستی هستیم و  **ضمن تاکید بر دستاوردهای جنبش تاریخی سوسیالیستی و تاثیرات آن بر تحولات جهانی، با نقد نظری و تجربی این جنبش، به این باور رسیدیم که سوسیالیسم و دموکراسی در هم تنیده‌اند و سوسیالیسم بدون دموکراسی به دیکتاتوری می‌انجامد. سوسیالیسم مورد نظر ما محصول روندی است آگاهانه برای دستیابی به جامعه مطلوب و انسانی که به متابه یک فرآیند با ایجاد و گسترش ارزش‌های سوسیالیستی و مشارکت نیروهای باورمند به این ارزش‌ها شکل می‌گیرد. از نظر ما سوسیالیسم فرایندی است که برسیتر شرایط واقعی و مدام تغییریابنده زندگی در جهان واقعاً موجود استوار خواهد بود. دست آوردها و تجارب مثبت و منفی جنبش‌های اجتماعی و چپ، گسترش و تعمیق آزادی و عدالت اجتماعی، بر پایه دمکراسی، ژرفش و گسترش بیوسته آن در جهت دمکراسی مشارکتی و مستقیم، ایجاد فرصت‌های برابر برای همه و دسترسی همگانی به اطلاعات و حفظ محیط‌زیست زمینه‌ساز چنین تحولی خواهد بود.**

### سرمایه‌داری و فرآیند جهانی شدن

۴. مخالف و ناقد مناسبات سرمایه‌داری هستیم و براین باوریم که سرمایه‌داری آخرین نظام اقتصادی - اجتماعی و پایان شکل‌بندی تاریخی و محتوم نیست. تلاش بشریت برای دستیابی به جامعه مطلوب ادامه دارد. تداوم بحران‌های ادواری و ساختاری سرمایه‌داری جهانی همراه با نیاز حیاتی آن به توسعه

جهانگستر برای سودآوری هر چه بیشتر، از دهه هشتاد سده گذشته مرحله جدیدی را در سرمایه‌داری، همراه با سلطه بیشتر سرمایه مالی، موجب شده است که به نولبرالیسم مشهور است. نولبرالیسم با شتابی روزافروز بر نابرابری و شکاف اجتماعی و اباحت ثروت در دست لایه نارکی از جمعیت می‌افزاید، از میزان خدمات عمومی و تامین اجتماعی می‌کاهد و سلطه سرمایه مالی و انحصارات را بر تمام وجوده حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و خصوصی گسترش می‌دهد.

۵. جهانی شدن، مشخصه اصلی دوران ما است که در همه ابعاد حیات بشری جریان دارد. طی این فرآیند ارزش‌های همانند صلح، آزادی، برابری، دموکراسی، حقوق بشر و همبستگی بیش از پیش به ارزش‌های مورد پذیرش در سطح بین‌المللی تبدیل می‌شود. در پرتو فرآیند جهانی شدن، دستاوردهای حاصل می‌شوند که می‌توانند در خدمت انسانی کردن زندگی در راستای آرمانها و ارزش‌های انسانی قرار گیرند ولی این دستاوردها به جهت خصلت سرمایه‌دارانه، سلطه‌گری دولت‌های بزرگ، انحصارات بین‌المللی و به ویژه انحصارات مالی بین‌المللی و سپردن فرآیند جهانی شدن به بازار به عنوان سامان‌دهنده روندها، عدم مشارکت، نظارت و مداخله دموکراتیک اکثریت عظیم مردمان جهان، این فرصلت‌ها را در معرض خطر دائم قرار دارند.

ما مخالف جهانی‌سازی نولبرالیستی هستیم که از جانب جریان‌های راست نو، دولت‌های محافظه‌کار، شرکت‌های فرامیانی، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی بول به نفع اقلیت ثروتمند و به زیان اکثریت جامعه بشری به پیش برده می‌شود. ما همراه با جنبش‌های اجتماعی (جبش کارگری، جنبش محیط زیست، جنبش زنان و ....) و نهادهای غیردولتی، علیه وضعیت موجود و برای صلح و امنیت جهانی، دموکراتیزه شدن مناسبات ملل و دولت‌ها، محیط زیست سالم، تامین اجتماعی بیشتر، کاهش نابرابری‌ها و "جهانی بهتر" مبارزه می‌کنیم.

## جمهوری اسلامی

۶. جمهوری اسلامی نظامی است مستبد، سرکوبگر و دشمن آزادی، حقوق بشر، دموکراسی که در اساس با تکیه به رانت نفتی، انکاء به ارگان‌های امنیتی و نظامی و گروه‌های سازمان‌یافته به سلطه سیاسی خود تداوم می‌بخشد. جمهوری اسلامی دولتی دین‌سالار است و با تلقیق دین و دولت و ساختار مبتنی بر ولایت فقیه و قانون اساسی تبعیض آمیز مبتنی بر شیعه اثنی‌عشری، مانع اعمال اراده آزاد مردم، حق حاکمیت و حق انتخاب آنان برای تعیین سرنوشت خویش است و وجود آن در تضاد با دموکراسی و سد راه تکامل و تحول دموکراتیک در جامعه ایران است.

۷. از ویزگی‌های سرمایه‌داری ایران در دوره جمهوری اسلامی، رشد لجام‌گسیخته، تقویت خصلت تجاری، تشدید رانت خواری و فساد، رواج گسترش اقتصاد زیرزمینی، شکل‌گیری بنیادهای خارج از نظارت و کنترل دولت و با مالکیت نامتعین، تبدیل شدن سپاه پاسداران به یک کارتل بزرگ اقتصادی است. در جمهوری اسلامی بخش مهمی از اقتصاد کشور در دست دولت و نهادهای شبیه دولتی رانت خوار است. در این دوره مدواوماً لایه‌های جدیدی از بورژوازی با استفاده از قدرت و رانت خواری، با به حیات گذاشته‌اند که برسر بهره‌گیری از رانت حکومتی و تصاحب سهم بیشتر، در جالش با یکدیگر هستند. بورژوازی ایران از لایه‌های مختلف تشکیل شده است: بورژوازی تجاری سنتی، صنعتی، مالی، مستغلات، نظامی و گروه نوظهور بورژوازی تجاری. اینکا به اقتصاد تک مخصوصی، واردات بی‌حساب و کتاب، پیشبرد سیاست‌ها و اقدامات ضدکارگری، پائین نگهداشتن حداقل دستمزدها و گسترش قراردادهای موقت و سفید امضا و تجدید هر چه بیشتر خدمات اجتماعی، مهم‌ترین مشخصه‌های آن به شمار می‌روند.

۸. ما برای گذار از جمهوری اسلامی به یک جمهوری دموکراتیک مبتنی بر جدایی دولت و دین مبارزه می‌کنیم. برکناری جمهوری اسلامی نیازمند سازمانیابی و به میدان آمدن اکثریت مردم، کارگران و رحمتکشان، مزد و حقوق بگیران، فرودستان، طبقه متوسط جدید و نیروهای آزادی خواه و دمکرات است. روش راهبردی ما برای گذار، بر بسیج وسیع منابع و پایگاه اجتماعی چپ در میان کارگران، رحمتکشان و مزد و حقوق بگیران جامعه استوار است.

۹. ما طرفدار مبارزه مسالمت‌آمیز هستیم و از ابتکارات مردم با توجه به شرایط و سطح رشد مبارزات مدنی آن‌ها حمایت می‌کنیم. چگونگی گذار از جمهوری اسلامی و کاریستی اشکال گوناگون مبارزاتی، به نحوه برخورد جمهوری اسلامی با آزاده و خواست مردم برای تغییر ساختار سیاسی بستگی دارد.

۱۰. اهرم ابجاد تحولات بنیادین در جامعه در اساس بر منابع داخلی یعنی مبارزات مردم بر بستر جنبش‌های اجتماعی، و گسترش نهادهای مدنی و حق طلبانه است. جنبش زنان، حوانان و جامعه مدنی که خواهان آزادی، برابری، دمکراسی و مخالف تعیین در هر شکلی می‌باشند، جنبش کارگران و رحمتکشان که علیه بیکاری، بی‌حقوقی و بی‌ثباتی شغلی، فراردادهای اسارت بار و سرکوب و برای ابجاد تشکل‌های مستقل کارگری مبارزه می‌کنند، و جنبش دمکراتیک ملتی‌ها و اقوام ساکن ایران که خواهان حقوق برابر در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند، به همراه نیروهای سیاسی آزادی طلب و دمکراسی خواه می‌توانند با تغییر توازن قوای کنونی، گذار به یک جامعه آزاد و عادلانه را هموار سازند.

۱۱. از دیدگاه ما، انتخابات آزاد و مصفعانه یکی از قواعد اساسی نظام دموکراتیک است. مبارزه برای برگزاری انتخابات آزاد به عنوان شعاری فراگیر، بسیج‌گر و پوشش‌دهنده نیروهای مخالف و منتقد جمهوری اسلامی، وجهی از استراتژی ماست. انتخابات آزاد مشروط به تامین آزادی فعالیت احزاب مخالف، تشکل‌ها و انجمن‌ها، آزادی مطبوعات و مبادله اطلاعات است. ما در کارزارهای انتخاباتی برخواست برگزاری انتخابات آزاد پای فشرده و از فضای انتخاباتی برای طرح مطالبات بهره می‌گیریم و مهندسی انتخابات و دست بردن حکومت در آراء مردم را برملاء می‌کنیم.

۱۲. قدرت سیاسی در جمهوری اسلامی عمدتاً در دست بلوکی اولی فقیه، سیاه، نهادهای امنیتی و نیروهای راست افراطی به رهبری ولی فقیه متمرکر شده است. ما بر تمرکز مبارزه علیه ولايت‌فقیه به عنوان رکن اصلی این نظام تأکید داریم. ما در شکاف موجود بین وجه ولايت و جمهوریت نظام، بر تقویت جمهوری خواهی تأکید داریم و تعمیق پاften شکاف‌های درون حکومتی در مواجهه با مطالبات جامعه را، به سود مبارزه مردم علیه حاکمیت استبدادی می‌دانیم. به باور ما عقب‌نشاندن حکومت در این و با آن حوزه به سود روندهای دموکراتیک و تامین مطالبات مردم، گامی است به جلو در مبارزه علیه استبداد دین سالار.

۱۳. ما با پایداری بر موضع ایورسیون جمهوری اسلامی، از اصلاحات در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی که در جهت تامین مطالبات مردم و منافع ملی باشد، استقبال کرده و با آن همراهی و همگامی می‌کنیم. با وجود اشتراک در این و یا آن مطالبه و مبارزه با جریان اصلاح‌طلبی حکومتی، به جهت اینکه آن‌ها بر جدائی دین و دولت پای نمی‌شارند، اتحاد و ائتلاف استراتژیک با آنان را منتفی می‌دانیم. ما ضمن تأکید بر تدوین قانون اساسی جدید که بر جدائی دین و دولت، منشور جهانی حقوق بشر و پیوستهایش استوار خواهد بود، تغییرات در قانون اساسی موجود در راستای محدود شدن دامنه اختیارات و عملکرد دستگاه ولايت‌فقیه و نهادهای انتصابی و تغییر در توازن قوا در جهت تقویت نقش و تاثیر جامعه مدنی و نهادهای انتخابی را مثبت تلقی می‌کنیم.

۱۴. نظام پیشنهادی ما، نظام سیاسی - اجتماعی دمکراتیک در شکل جمهوری است. جمهوری مورد نظر ما مبتنی بر حق رای آزاد و همگانی، پایبندی به قانونیت و بر اصل جدائی دولت و دین، تفکیک قوای سه گانه، استقلال رسانه‌ها، تناوب قدرت و انتخابی بودن مقامات، نفوی حکومت دینی و مسلکی و ساختار سیاسی و اداری غیرمتمرکز و پلورالیسم استوار است. در این جمهوری مذهب و ایدئولوژی رسمی وجود ندارد. همه مذاهبان و باورهای مردم مورد احترام است. در تدوین قانون اساسی و دیگر قوانین جاری کشور به احکام دین و شریعت ارجاع داده نمی‌شود. ما بر انطباق قانون اساسی کشور بر منشور جهانی حقوق بشر و ملحقات آن تاکید داریم. در جمهوری مورد نظر ما، حکم اعدام، شکنجه و محاجات‌های مغایر با کرامت انسانی ممنوع است.

۱۵. لازمه گذار به دموکراسی و تحکیم آن، اخلال دستگاه‌های ویژه سرکوب، ایجاد تغییرات در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، تأمین عدالت اجتماعی و توسعه پایدار است. برای تامین این امر، ضروری است به مالکیت نامتعین واحدهای اقتصادی وابسته به ولی فقیه، سیاست و روحانیت پایان داده شود، مالکیت این واحدها به بخش‌های دیگر اقتصادی انتقال یابد و دارائی کسانی که ثروت‌های کشور را با رانت‌خواری، فساد و قاجاق غارت کرده‌اند، مورد حسابرسی قرار گیرد.

۱۶. تلاش برای نزدیک کردن نیروهای جمهوری‌خواه، دموکرات و سکولار جهت شکل دادن به یک ائتلاف گسترشده سیاسی میان آنان برای گذار از جمهوری اسلامی، از مولفه‌های اصلی استراتژی سیاسی ما محسوب می‌شود. سیاست ما در این راستا بر اتحاد گسترشده و ممکن با دیگر نیروهای چپ و سوسیالیست، ائتلاف با نیروهای مدافع و آزادی‌خواه حول جمهوریت، جدائی دولت و دین و رعایت حقوق بشر استوار است.

۱۷. ما از آزادی سازمانیابی گروههای اجتماعی، تشکیل سندیکاهای کارگری، تشکلهای صنفی و سازمان‌های غیردولتی و فعالیت آزادانه احزاب سیاسی، آزادی رسانه‌ها، گردش آزادانه اطلاعات و حق دسترسی مردم به آن، آزادی عقیده، بیان، مذهب، هنر، ادبیات، برگاری اجتماعات و تظاهرات دفاع می‌کنیم و بر تامین حقوق کار، تضمین اشتغال، آموزش رایگان، تامین اجتماعی همه جانبه و فراکیر شامل بیمه‌های درمانی و بیکاری و توسعه کارآفرینی و توانمندسازی گروه‌های کمدرآمد جامعه، تامین حقوق ملی - قومی، برابر حقوقی زن و مرد و مقابله با خشونت علیه زنان پای می‌نشاریم.

۱۸. شرایط حیات در کره زمین برای رشد انفحارگونه جمعیت، رشد کنترل نشده شهرها، تغییرات ناشی از تراکم گارهای گلخانه‌ای در جو زمین، تخریب اکوسیستم و آلودگی‌های فزاینده محیط زیست که محصول اشکال تولید و مصرف در جهان کنونی است، بهره‌برداری غارتگرانه، بدون آینده‌نگری و با نگرش حداکثر سودآوری تولید سرمایه‌داری از منابع طبیعی، استفاده از انرژی فسیلی و الگوی مصرفی موجود، مورد مخاطره جدی قرار گرفته است. جهان و کشور ما با یک بحران بزرگ زیست محیطی رویروست. در کشور ما از یک سو، منابع طبیعی، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، تالاب‌ها و آب‌های زیرزمینی رو به خشکی و کشاورزی و دامداری رو به نابودی است و از سوی دیگر، انواع آلودگی‌های زیست محیطی به ویژه آلودگی هوا، حیات مردم را به طور فزاینده‌ای با خطرات جدی مواجه کرده است. برای خروج از این بحران، کشور ما نیازمند اقدامات بنیادین است که در مرکز آن، تغییر الگوی توسعه و استراتژی صنعتی است.

۱۹. در مورد مستله ملی برسر اینکه ما ستم ملی بنویسیم و یا تبعیض ملی - قومی، تفاوت نظر وجود دارد.

## فرمول اول

از مشخصه‌های جمهوری اسلامی تمرکزگرایی، **ستم ملی** و سیاست مرکزگرایی به زیان مناطق پیرامونی کشور است. ده‌ها میلیون آذری، کرد، بلوج، ترکمن، عرب .... از حق تحصیل به زبان مادری و از کاربرد رسمی زبان و فرهنگ خود محروم‌می‌شوند. این رویکرد نقض حقوق انسانی بخش بزرگی از مردم کشور ما است و مانع شکوفایی انواع فرهنگ‌های موجود در این سرزمین به عنوان یک ثروت ارزشمند و موجب

گسست همبستگی ملی می‌شود. **ما معنقدیم که حقوق ملی باید تامین گردد**، اداره امور هر منطقه توسط ساکنان آن انجام گیرد و همه ساکنان ایران از حق تحصیل به زبان مادری برخوردار شوند. دولت موظف است امکانات لازم برای شکوفانی زبانهای غیرفارسی کشور را فراهم نماید. به باور ما یکپارچگی کشور و همبستگی ملی، در گرو تامین و تضمین برابر حقوقی همه مولفه‌های ملی تشکیل دهندۀ ملت ایران قرار دارد.

## فرمول دوم

از مشخصه‌های جمهوری اسلامی تمرکزگرانی، **تبیض ملی - قومی و نقض حقوق شناخته آن‌ها** و سیاست مرکزگرانی به زبان مناطق پیرامونی کشور است. ده‌ها میلیون شهروند آذری، کرد، بلوج، ترکمن، عرب .... از حق تحصیل به زبان مادری و از کاربرد رسمی زبان و فرهنگ خود محرومند. این رویکرد نقض حقوق انسانی بخش بزرگی از مردم کشور ما است و مانع شکوفانی انواع فرهنگ‌های موجود در این سرزمین به عنوان یک ثروت ارزشمند و موجب گسست همبستگی ملی می‌شود. **ما مخالف هرگونه تبیض ملی - قومی بوده و براین باوریم که** اداره امور هر منطقه توسط ساکنان آن انجام گیرد و همه ساکنان ایران از حق تحصیل به زبان مادری برخوردار شوند. دولت موظف است امکانات لازم برای شکوفانی زبانهای غیرفارسی کشور را فراهم نماید. به باور ما یکپارچگی کشور و همبستگی ملی، در گرو تامین و تضمین برابر حقوقی همه مولفه‌های ملی تشکیل دهندۀ ملت ایران قرار دارد.

۳۰. میانی سیاست خارجی ما عبارتند از: تامین منافع و مصالح ملی، طرفداری از یک سیاست خارجی مستقل مبتنی بر صلح و دوستی میان کشورها و عدم تعهد به پیمانهای نظامی در سطح جهان، مخالفت با دخالت‌ها و تعرضات سیاسی و نظامی از سوی قدرت‌های خارجی در امور داخلی ایران، تلاش و مبارزه برای برقراری صلح و منع سلاح‌های کشتار جمعی در سطح منطقه و جهان و حمایت از مبارزات آزادی خواهانه و عدالت‌جویانه در سراسر جهان.

## پیشنهاد برای اضافه کردن دو بند به متن پیش‌نویس منشور

دو فرمول زیر به گروه کار منشور ارائه شده بود. گروه منشور براین نظر بود که افزودن این دو بند، به منشور بیشتر حیله برنامه‌ای می‌دهد. در کار مجدد روی پیش‌نویس منشور، در مورد افزوده شدن دو فرمول بحث و گفتگو خواهد شد.

۱. ما بر توسعه پایدار با حفظ محیط‌زیست، غلیه بر رشد نامتوازن اقتصادی در مناطق مختلف کشور و تامین رفاه اجتماعی تاکید داریم. ما مخالف تمرکز قدرت و مالکیت در دست دولت و یا لایه نازکی از جامعه و مدافعان سیاست‌های اقتصادی معطوف به شکل‌گیری و گسترش بخش تعاونی و بخش خصوصی مدرن، کارآفرین و رقابتی هستیم. تامین امنیت برای سرمایه و سرمایه‌گذاری، تلفیق سازوکار برنامه‌ریزی دولتی و بازار و جلوگیری از انحصار و ایجاد فضای رقابتی، بعنوان مکانیزم‌های تنظیم کننده اقتصاد، جزئی از سیاست‌های کلان اقتصادی ما می‌باشد.

۲. ما از حق کار، تشکل‌های صنفی و نقش آفرینی آن‌ها در اقتصاد کشور، از تشکیل اتحادیه‌های کارگری، حق اعتراض و انعقاد قراردادهای دسته جمعی، برداخت حق بیکاری و از دیگر خدمات اجتماعی برای تامین حقوق کارگران دفاع می‌کنیم.  
**کنگره بنیانگذار**